

اعتراضات در کردستان عراق و آنچه باید از آن آموخت!

بیانیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

بار دیگر مردم زحمتکش کردستان عراق در اعتراض به فقر، عدم پرداخت حقوق های خود، دزدی و فساد مالی و سیاسی دولت اقلیم، و عدم تامین ابتدائی ترین نیازهای کارگران و اقشار زحمتکش جامعه، در اشکال اعتصاب و تظاهرات خیابانی و... به میدان آمده اند. دامنه این اعتراضات بخش اعظم شهرهای کردستان عراق را در بر گرفته است. موفقیت مردم زحمتکش کردستان عراق و تامین حداقلی از مطالبات بر حق آنها و ممانعت از به کجراه بردن این اعتراضات توسط احزاب بورژوازی، در گرو این است که کمونیستها، کارگران و رهبران آنها، آزادیخواهان و برابری طلبان آن جامعه، تجارب تا کنونی خود در جدال و کشمکش با بورژوازی کرد حاکم را به خودآگاهی صفوف خود تبدیل و تثبیت کنند، در راس این تحرکات قرار بگیرند و با هوشیاری نه تنها موفقیت آنها تضمین کنند بلکه و بعلاوه موقعیت طبقه کارگر و اقشار زحمتکش جامعه در مقابل بورژوازی حاکم را بهبود بخشند.

تجربه "دولت کرد" در کردستان عراق در بیست و پنج سال گذشته، واقعیات بنیادی را که ما کمونیستها ۲۵ سال است میگوئیم، برای طبقه کارگر و زحمتکش کردستان روشن کرده است. واقعیاتی که باید بر شانه های آن جنبشی خودآگاه، اجتماعی، موثر و رادیکال را برای آینده ای انسانی و آزاد برپا کرد. تحولات روزهای اخیر، رودررویی مردم به تنگ آمده و نیروهای نظامی دولتی، به خاک و خون کشیده شدن اعتراضات مردم، آتش زدن مقررات دولتی و نظامی توسط مردم و در متن آن بالاگرفتن کشمکش احزاب حاکم، تکرار هزاران باره وقایع یک جامعه طبقاتی است که نمونه آن صدها هزار بار در جوامع دیگر تجربه شده است. تاریخ عمر این دولت و وقایع مربوط به این جامعه احکام پایه ای ناسیونالیست ها را برای هزارمین بار باطل میکنند؛

- "کردها" با هم برادر نیستند! جامعه "کردها" مثل همه جوامع کلاسیک بورژوازی جامعه ای طبقاتی است و سرمایه داران و کارگران دو طبقه اصلی آن اند. .. صفحه ۳



برجام!

یاران صدیق و ناصادق نظام

ثریا شهابی

"بیانیه مجلس بی فایده است، برجام باید رد شود، دولت به جای پاسخ به اشکالات فنی منتقدان کلی گوئی میکند." از سخنرانی حاج حسین شریعتمداری در "تحصن غیرت"، تحصن مخالفین برجام، در مقابل مجلس. به گزارش رجانویز جمعه ۱۰ مهر

"متن پیامی از دفتر مقام معظم رهبری به دست من رسیده است قرائت شد و اعلام کردیم که با توجه به این پیام اطاعت امر خواهیم کرد. در این پیام آمده است که: صدای شما به مسئولان رسید و پیام شما را دریافت کردند. ادامه این تحصن به مصلحت نیست." به گزارش سایت مشرق روز ۱۱ مهر

به این ترتیب، با تصویب "برجام" در مجلس، و در واقع تصویب محتوای کامل توافقنامه فروردین ماه "گروه پنج به اضافه یک" با دولت روحانی در سویس و با پایان یافتن رسمی "کمپین اتمی"، تحصن شش روزه "غیرت علیه برجام" هم به پایان رسید و همراه خود غیرت و شرافت و اعتبار نماینده ولی فقیه در موسسه کیهان و صفی از یاران صدیق نظام، همه تماما مفت به حراج رفت!

هم شریعتمداری و هم خامنه ای و همه یاران صدیق نظام، و بعلاوه یاران صدیق از نوع "خوش خیم" شده چون رفسنجانی و روحانی و هم مردم ایران، همه می دانند و می دانستند که این خط و نشان کشیدن ها و باید و نباید ها و فشار غیرت و شرف و .. علیه این توافقات قرار نیست مانعی در مقابل قرار داد مربوطه بگذارد. چرا که آشتی با غرب به دستور مستقیم "مقام معظم" صورت گرفته است نه با لبخندها و عزمه های خاتمی و یا اچیان "عقل و شعور" روحانی!

هرچند که امروز مقام معظم در دعوی مجلس و کیهان بر سر نقش موافق یا مخالف او با این توافقات تلاش میکند که ژست "بی طرفی" بگیرد، این تغییر مهم در صحنه سیاست ایران مستقیماً توسط او هدایت شده است و نه تحرک و کودتایی از جانب "اصلاح طلبان".

تصویب برجام در مجلس و پایان جدال در بالا برای به تعویق انداختن آن، و وعده پایان قطعی تحریم ها، فاکتورهای مهمی در رابطه بالا و پایین را در جامعه تغییر داده است. پایان دوره انتظار برای "بحث و جدل و گفتگو بر سر این توافقات" و در واقع کش دادن پروسه اجرای عملی آن، علاوه بر اینکه توازن قوا در میان گروه بندی های حکومتی را تغییر داد و زمینه تسخیر مجلس توسط موافقین این توافقات را فراهم کرد، بعلاوه و مهمتر شرایط مناسبی برای بالا گرفتن توقعات پایین برای بهبود وضع اقتصادی را به همراه دارد.

خط و نشان کشیدن ها و تهدید ها و "تحصن غیرت" رفقای کیهان شریعتمداری و یاران صدیق نظام" و همراهی ضمنی خامنه ای با آنها در عین حمایت از مجلس همه و همه برای مقابله با این تغییر در رابطه بالا و پایین است.

ترشی انداختن طیف کیهان شریعتمداری و ترساندن از حضور مستقیم یاران صدیق نظام، که در مرام شریعتمداری چماق بدستان بسیجی و لباس شخصی پوش های مسلح و باند های سپاه خودشان است، فقط و فقط برای ساکت نگاه داشتن و ترساندن پایین است. میخوانند بگویند هستند و دندان دارند و به موقع گاز میگیرند.

اما علاوه بر در ترشی خواباندن یاران صدیق نظام، که به موقع برای به صحنه آمدن، همه اصلاح طلبان و گروه های خوش خیم حکومتی در مجلس و در میان اساتید دانشگاهها و مراکز فرهنگی، و ... پشت سر آنها سجد خواهند کرد، طیف دیگری نیز در صحنه برای خدمت گذاری آماده است. طیفی که قرار است به شکل دیگری همان وظیفه کیهان شریعتمداری را، یعنی ساکت نگاه داشتن پایین و محفوظ نگاه داشتن بالا از گزند آن، را انجام دهد. از طیف توده - اکثریت بخوانید. ...

آزادی برابری حکومت کارگری

برجام ...

در دهه ۶۰ و ۷۰ شمسی تصور غالب دموکراسی خواهان این بود که "حذف اقتدارگرایان" از قدرت سیاسی راه دموکراسی را هموار می کند. روندهای اخیر نشان میدهد که "تغییر در رفتار اقتدارگرایان" به معنای "تغییر در منابع قدرت آنان"، به معنای "اتکا به صندوق رای به جای اتکا بر دستگاه رهبری" راه پیشرفت کشور به سوی دموکراسی را هموار می کند. مجلسی که در آن همه "اصلاح طلب" باشند مجلسی کال است. مجلسی مدبر مجلسی است که در آن نمایندگان گروه های اجتماعی بزرگ ائتلاف های بزرگ و رقابت های بزرگ داشته باشند. فرخ نگهدار ۲۶ مهر به گزارش روز آن لاین

دموکراسی دینی و فرخ نگهدار، داستان اسفبار زندگی سیاسی طیف پادویی است که هرگز به کاخ راه شان نمی دهند. شکل ابراز وجود سنت توده اکثریت، این روزها باز هم تماشایی است. طیفی که بعد از سی و چند سال خوش خدمتی و مدیحه سرایی بی جیره و مواجب هنوز خودشان به مجلس راه داده نشده، به مردم وعده دموکراسی و شرکت «گروه های مختلف سیاسی» در مجلس را میدهند! خودشان که شانس نداشته و ندارند، چه اشکالی دارد که نردبان ترقی دیگران شوند! اینها پس از سرخوردن از "خط امام" و به زور به بیرون و به موقعیت "پوزسیون" پرتاب شدن، طرفدار خط "پرزیدنت رفسنجانی" شدند. امروز هم، از خودگذشته، امیدوارند با ادامه پادویی و تقویت موقعیت رفسنجانی و اصلاح طلبان، کسی از خانواده سیاسی پرزیدنت شان شانس با دوامی بیاورد!

دعوی اخیر مجلس و کیهان، دعوی بر سر تفسیر ایما و اشارات خامنه ای، برای مشروعیت دادن به "مصوبه" اخیر مجلس "نمایندگان مردم" و یا مجاز دانستن اعتراض "تحصن غیرت"، کریه ترین و افراطی ترین چهره اختناق در

ایران را به نمایش گذاشت. رجوع به اجازه مقام معظم رهبری برای طرح و تصویب چیزی در مجلس و برای شروع و پایان و میزان "اعتراض" و "انتقاد"، آنهم نه از پایین و توسط کسانی که کمترین ابزاری برای ابراز وجود قانونی ندارند، نه توسط طبقه کارگر و زنان و جوانانی که بیش از سه دهه است که سهم شان جز فقر و تبعیض و خفقان و سرکوب نبوده است، بلکه در میان خود هیئت حاکمه، با همان معیار های بورژوازی و دموکراسی پارلمانی، بیش از پیش به سخره گرفتن "رای" و "اعتراض" در جمهوری اسلامی ایران را به نمایش میگذارند. این ها تک تک رفقای "ناباب" خودشان را گردن می زنند و سر به نیست میکنند، تا بتوانند پایین را قتل عام کنند! سرنوشت رهبران جنبش سبز، سرنوشت قطب زاده و بنی صدر و خاتمی، و سرنوشت اسفبار خود حزب توده و سازمان اکثریت، گویای تحمل دموکراسی پارلمانی در ایران، و گویای چگونگی حل و فصل جدال در صفوف بخش های مختلف بورژوازی ایران است.

مقابله با حاج سید حسن شریعتمداری و طیف یاران صدیق نظام، از مقابله با امثال فرخ نگهدارها، استاید دانشگاهی و نخنگان سیاسی و فرهنگی "غیر دستگاهی"، که مردم را به برقراری "دموکراسی اسلامی" در ایران حواله میدهند، جدا نیست. طیف یاران ناصادق و ریاکار نظام، امثال فرخ نگهدار، به اندازه شریعتمداری به نظام وفا دارند. هریک به شیوه ای و با پرچمی. یکی با پرچم حفظ «غیرت اسلامی» و دیگری با پرچم "دموکراسی و صندوق رای"! این توافقات، بدنال خود لاف سریع تحریم ها را به بار نیاورده است. خبری از گشایش اقتصادی نیست. لغو همه تحریم ها هم که به اجرا درآید، سرمایه گذاری بلند مدت و نجات اقتصاد به امنیت، و قبل از هرچیز خاورمیانه امن، و سپس ایران "امن" نیاز دارد! تلاش جمهوری اسلامی برای استفاده از کیس سوریه و تبلیغات

امنیت؛

بخشی از منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت، بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان هراس از فقر، جنگ و تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند، ممکن نیست.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برچیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

- حزب حکمتیست دفاع و امنیت را وظیفه نیروی مسلح مردم، متشکل در کمیته های محل کار و زیست، مبتی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در امور انتظامی و دفاعی، و جایگزین آن با ارتش حرفه ای و مافوق مردم میداند.

- حزب حکمتیست برای فراهم کردن شرایط دفاع، مسلح و غیرمسلح، علاوه بر کمیته های محل کار و زیست، برای شکل گیری گارد آزادی، مسلح و غیر مسلح، فعالیت میکند.

- با این وجود مادام که نیرویهای مسلح وجود دارند موازین زیر باید برقرار گردند:

۱- اطاعت بی چون و چرای پایین از بالا در نیروهای مسلح لغو شود. هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض باشد یا با اصول انسانی و وجدانی وی مغایرت داشته باشد امتناع کند.

۲- هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول اعتقادات وی مغایر است، امتناع کند.

۳- نیروهای انتظامی باید در حین ماموریت و انجام وظیفه، اونیفورم نظامی خود را به تن داشته باشند و اسلحه خود را به نحوی حمل کنند که دیده شود.

۴- تشکیل نیروی مسلح فاقد اونیفورم و یا انجام ماموریت بعنوان پلیس مسلح در لباس سیویل ممنوع است.

۵- لغو دیپلماسی سری

۶- ممنوعیت ورود کشور به پیمان های ضد مردمی، نظامی، سلطه طلبانه و سرکوبگرانه

۷- ممنوعیت گسترش میلیتاریسم، دخالت نظامی میلیتاریستی در کشورهای منطقه، ممنوعیت مسلح کردن دسته های قومی و مذهبی .

حول ائتلاف چهارگانه روسیه، سوریه، عراق و ایران، و سرمایه گذاری بر بن بست های ترکیه و ... همه و همه، تلاشی برای فراهم کردن یک تعادل و "امنیت" ارتجاعی، قومی و مذهبی است. در این شرایط تضمین ساکت نگاه داشتن پایین، و در انتظار نگاه داشتن بیشتر محکومین، طبقه کارگر، زنان و جوانانی که کمترین آینده روشن اقتصادی در مقابل خود نمی بینند، مهمترین رکن سیاست همه یاران صدیق و ریاکار نظام است.

تا آنجایی که به اکثریت مردم، محرومین، زنان و جوانان و بخصوص

طبقه کارگر مربوط میشود، باید از این مرحله، بسرعت استفاده کرد. نه جهت انتظار بیشتر کشیدن، نه جهت صبر بیشتر، که جهت پیگیری توقعات انسانی، رفاه، آزادی و امنیت. امنیتی که با تضمین بیشترین آزادی های سیاسی، برابری کامل زن و مرد، و بیشترین رفاه طبقه کارگر و محرومین جامعه، توسط محکومین به زور شکل و اعتراض خود، تامین میشود.

اما کلید این امنیت هم در دست هیچ کدام از یاران صدیق یا کم تر صادق نظام نیست. اسلام و اسلامیت و دشمنی با آمریکا و ... را همه تماما حراج کرده اند بلکه سرمایه و نظام را نجات دهند. نظام اقتصادی ایران، تنها و تنها یک نسخه نجات بخش دارد، و آن اقتصاد سوسیالیستی است.

زنده باد سوسیالیسم!

مرکب بر جمهوری اسلامی!

بیانیه دفتر کردستان حزب ...

رابطه این دو طبقه چیزی جز یک کشمکش دائم بر سر منافع طبقاتی متضاد نیست. سرمایه داران امرشان استثمار و ثروت اندوزی است، و در این راه خون کارگر و زحمتکش کرد را در شیشه میکند.

- دولت "کرد" مانند تمام دولت های موجود در دنیای امروز سرمایه داری، دولت سرمایه داران و طبقه حاکم است. این دولت تنها در مقابل رفع موانع سوداندوزی سرمایه داران مسئول است و بس. بی پاسخ گذاشتن مطالبات توده ستمدیده از طرف این دولت، نه از جوهر بد و شیطانی حاکمان، که از تعهد آن به تامین منافع طبقه خویش و قبول مسئولیت در برابر منافع سرمایه داران کرد است. تبلیغات شیادانه ناسیونالیستی که این دولت را چتر بالا سر همه "کردها" معرفی میکنند، امروز جلو چشمان همه ما ماهیت دروغین خود را نشان میدهد.

- خودمختاری، خودگردانی، فدرالی و یا استقلال، اشکال متنوعی از تنظیم رابطه بورژوازی کرد و احزاب آن با دولت مرکزی برای سهم ببری از قدرت است. هیچکدام از اینها بطور در خود شامل حق و حقوقی برای کارگر و زحمتکش نیست. تنها سود حاکمیت بورژوازی کرد بر کردستان این است که بورژوازی کرد دیگر قادر به تحمیق کارگر و زحمتکش به اسم کرد نمیشود، دیگر با باد زدن نفاق قومی به نام "کرد" و "عرب" نمیتواند کارگران کردستان را فریب دهد. نمیتواند با اتکا به هویت کاذب قومی میان طبقه کارگر عراق نفاق و دشمنی ایجاد کند. امروز در کردستان عراق با سهولت بیشتری میشود طبقه کارگر را قانع کرد که منفعت او و سرمایه دار کرد از هم جداست، دشمن طبقاتی هم اند و آب

شان در یک جوی رفتنی نیست و جنبش و صف و حزب شان هم باید از سرمایه داران جدا باشد.

- امروز سهم کارگران در جامعه ای که به "عرب"، "کرد"، "ترکمن" و "سنی"، "شیعه" و... تقسیم شده است، جز استثمار و بی حقوقی نیست. امروز جواب بورژوازی حاکم در بخشهای مختلف عراق به طبقه کارگر "عرب"، "کرد"، "ترکمن"، "سنی"، "شیعه" و... که برای رفاه و آزادی و علیه فساد و اختناق به میدان آمده است یکی است. فریب، سرکوب، شقاوت، بیرحمی علیه این طبقه نقطه اشتراک دولت مرکزی در عراق و دولت اقلیم است.

- امروز کارگران و اقشار زحمتکش جامعه در کل عراق علیه فقر و بی حقوقی از بغداد و بصره تا سلیمانیه و اربیل و... در مقابل طبقه حاکم دست به اعتراض زده اند. ایجاد همبستگی و اعلام حمایت کارگران و معترضین در این جدال و در دفاع از یک زندگی انسانی، قدمی مهم و ضروری در شکستن هویتهای کاذب و ضد کارگری "ملی" و "مذهبی" است که چندین دهه است با اشاعه آن، کل طبقه کارگر عراق و مردم شرافتمند و زحمتکش آن جامعه را در خدمت منافع زمینی بورژوازی "کرد و عرب" در مقابل هم قرار داده اند.

- ۲۵ سال حاکمیت بورژوازی کرد بر کردستان عراق، به طبقه کارگر و محرومان آن جامعه نشان داد که "ملت کرد" خرافه است، همانطوریکه ملت عراق، ملت ایران، ملت ترکیه و امریکا و اسرائیل و هر جای دیگر دنیا خرافه است. اگر منافع مسعود بارزانی و جلال طالبانی و صدها میلیاردی و میلیونی کرد با منافع کارگر در کردستان یکی نیست، اگر هیچ رابطه ای جز حاکم و محکوم بین آنها متصور نیست،

ادعای ناسیونالیستی مبنی بر اشتراک منافع این دو طبقه یک شیادای سیاسی است. اگر یک طرف تمام ثروت جامعه و نعمات مادی آنرا در اختیار دارد و طرف دیگر برای نان و آب داد میزند و پاسخ را با گلوله از بورژوازی "کرد" حاکم تحویل میگیرد، ادعای ناسیونالیستی مبنی بر برادری همه "کردها"، یک حقه بازی در روز روشن است.

- تمام احزاب طبقه حاکمه خود را به عنوان نماینده تمام "ملت" معرفی میکنند. دلیل این کار ساده است؛ اگر جنبش ها و احزاب و جبهه های سیاسی سرمایه داران با همان عناوین طبقاتی و واقعی خودشان می بود، به عنوان اقلیتی ناچیز قادر به کنترل جامعه و اعمال حاکمیت بر "ملت" نمی بودند و در مقابل شان طبقه کارگری صف می بست که یک روزه از صحنه جاروی شان میکرد. احزاب بورژوازی کرد هم برای فریب و سربازگیری از کارگران و توده ستمدیده در کردستان، حزب شان را حزب آنها، و جنبش و جبهه و دولت ایدال شان را هم همین عنوان همگانی "کرد" میدهند.

- پارلمان کردستان هم، پوشالی یا واقعی، مانند تمام پارلمان های عالم، محل رفع و رجوع درد و مرگ مردم زحمتکش نیست، بلکه محل مذاکرات حاکمان برای چگونگی اعمال سلطه بر جامعه است. شکل پارلمانی حاکمیت در بهترین حالت خود، شکل حاکمیت سرمایه داران بر جامعه است. در این سیستم، نمایندگان هر چند سال یکبار به ضرب تبلیغات و صرف پول و مهندسی اذهان، انتخاب و اداره جامعه را به دست میگیرند و به سلیقه خود و طبق منافع طبقاتی و سیاسی خود قانون وضع میکنند و علیه توده میلیونی انتخاب کنندگان شان دستور صادر میکنند، بدون اینکه قابل عزل و نصب

مستقیم باشند. در مقابل این بوروکراسی، شکل حاکمیت کارگر و زحمتکش نه پارلمانی که شورایی است و نمایندگان شورای مرکزی هر آن توسط انتخاب کنندگان قابل عزل و نصب اند. در حالیکه تمام احزاب بورژوازی کردستان عراق درگیر کشمکش بر سر منافع سیاسی و اقتصادی خویش اند و در پارلمان شان برای هم شمشیر می کشند، طبقه کارگر و توده میلیونی زحمتکشان میتوانند اراده کنند و با دور زدن دم و دستگاه بورژواها شوراهای خود را ایجاد و دولت شورایی خویش را به جای پارلمان سرمایه داران تشکیل دهند.

- لازمه ایجاد دولت شوراهای و اعمال حاکمیت شورایی و اداره جامعه طبق منافع اکثریت جامعه، سازماندهی یک جنبش کارگری و کمونیستی قوی است. برای این کار، کارگر به حزب خود نیاز دارد، به جنبش خود نیاز دارد، به سازمان های متعدد متشکل از صفوف خود نیاز دارد. طبقه سرمایه دار صدها سال است که ادبیات و تاریخ و جنبش و دولت و شیوه های حاکمیت خود را در ذهن میلیونی جامعه جای داده است. جنبش خود را جنبش همه، حزب خود را حزب همه و تاریخ و دولت خود را تاریخ و دولت هم نام نهاده است، هزاران کتاب و فیلم و داستان برایش نوشته است، شبانه روز به خورد "ملت" میدهد، و سیستم آموزشی و تبلیغات و میدیای حاکم تولید و بازتولید روزانه آنرا، و مهندسی ذهن و فکر هر روزه مردم کارگر و زحمتکش را تامین میکنند.

- امروز بیشتر از هر زمانی زمینه گره زدن مبارزه کارگر در سلیمانیه و هولیر برای بهبود زندگی و رفاه تا مبارزه برای آزادی و امنیت، برای کوتاه کردن دست باندهای ارتجاعی قومی و مذهبی و ... به مبارزه کارگر در ←

قدرت طبقه کارگر در تخریب و تشکل اوست!

کارگران جهان متحد شوید!

Workers of The World Unite!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

بیانیه دفتر کردستان ...

سال گذشته حاکمیت بورژوازی کرد و کشمکش خود و اقبال زحمتکش درس گرفته است و افق دیگری را در مقابل خود و طبقه اش و در مقابل کل جامعه میگذارد.

دفتر کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)
۱۳ اکتبر ۲۰۱۵

هم فریب میخورند و سوخت دم توپ عده دیگری را تامین میکنند. شرط موفقیت کارگران و مردم زحمتکش کردستان عراق در همین اعتراضات امروزشان و تامین حداقلی از مطالبات بر حق آنها در گرو پا پیش گذاشتن کمونیستها به عنوان نمایندگان واقعی و روشن و بی توهم طبقه کارگر [] پا پیش گذاشتن کارگران آگاه و رهبران کارگری است که حداقل از تجارب ۲۵

شوراهای مردم و قدرت واقعی همین امروز کارگر و زحمتکش یک تلاش هرکولی کمونیست ها، آگاهی و روشنی آنها، اراده ای مصمم و شهادت سیاسی آنها را میخواهد. در غیبت چنین کاری، مردم معترض دیر یا زود به خانه فرستاده میشوند و در بهترین حالت مثل دوره سابق که ابزار رای جنبش ارتجاعی گوران (تغییر) در انتخابات شدند، این بار

بغداد و بصره فراهم است. کمونیستها میتوانند مبشر این همسرنوشتی و اتحاد باشند. امروز طبقه کارگر در کردستان عراق بیشتر از هر زمانی به حزب و جنبش خودش برای متحد شدن در کارخانه و محله و نیاز دارد. ایجاد یک جنبش مستقل، یک حزب قدرتمند کمونیستی، جایگزینی فوری دولت و پارلمان کارتونی کردستان با

رفاه؛

(بخشی از "منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران")

- رفاه، فراغت، تفریح، آسایش و امنیت، حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض ابتدایی ترین حق و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی است. برای تامین رفاه در اولین قدم مطالبات فوری زیر را، که بسرعت قابل تامین است، باید به نیرو و قدرت متحد و متشکل خود تحمیل کرد.

- تعیین حداقل دستمزد، توسط نمایندگان کارگران

- بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم

- برقرار فوری حداکثر ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)

- تعطیلی دو روز متوالی در هفته

- پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال

- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال

- پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد به همه افراد بالای ۵۵ سال که فاقد حقوق بازنشستگی هستند

- حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه. ارایه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی

- تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان، تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است.

- تعیین حقوق مقامات سیاسی و اداری کشور (نمایندگان مجلس، شهرداران، استانداران، فرمانداران، قضات دادگاهها و...) برابر با مزد متوسط کارگر.

- در جهان امروز رفاه بدون احترام به محیط زیست و حفاظت از آن، عملی نیست. از این رو حق برخورداری از یک محیط زیست امن و سالم، حق بی چون چرای همگان است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، بعنوان نیروی پیشرو کارگران در ایران، بعنوان نیروی پیشرو جنبش رهایی زن و جنبش اسلام زدایی در ایران، بعنوان نیروی پیشرو همه آزادخواهان و برابری طلبان، رئیس اصلی حقوق مسلم و انکارناپذیر کارگران و محرومین ایران را، که نهایتاً یک قیام توده ای به رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست اش ضامن تحقق آنهاست، به صراحت اعلام مینماید.

مبارزه ما برای برابری، رفع تبعیض و رفاه جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. مبارزه ای که سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، اولین شرط پیشروی و پیروزی آن است.

ما مردم محروم ایران را به برافراشتن پرچم این اهداف انقلابی، در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد، و برای مقابله با گسترش فقر و نا امنی و محرومیت، فرامیخوانیم.

"منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم

ایران" را بدست گیرید!

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

زنده باد انقلاب کارگری!